



بررسی نقش تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی

امیرحسین مسعودی راد^{۱*}، رسول بهنام^۲، مائده مسعودی راد^۳

۱- مربی گروه علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه و دبیر آموزش و پرورش شهرستان خوی

۲- استادیار گروه علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه

۳- دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری خوی

*amir.masoudirad95@gmail.com

پذیرش: مهر ۱۴۰۰

ارسال: مرداد ۱۴۰۰

چکیده

تشویق و تنبیه دو روش تربیتی و از اجزا جدانشدنی فرایند تعلیم و تربیت بوده و استفاده از آن هم در تعلیم و تربیت رسمی و مدرسه و هم در تعلیم و تربیت غیر رسمی و خانواده رایج بوده است. تشویق و تنبیه در ابعاد مختلف زندگی انسان به ویژه آموزش نقش پر رنگی دارد که در بُعد دینی، اسلام و قرآن هم مورد توجه قرار گرفته است. هدف این مطالعه بررسی چگونگی نقش تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت است و کدام یک اولویت بیشتری دارد. داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و سندکاوی گردآوری شده است و یافته‌ها نشان می‌دهد که تنبیه، اغلب اوقات نه تنها تاثیری در جنبه‌ی تربیتی ندارد بلکه آثار مخربی هم در پی دارد. تشویق کردن به مراتب تاثیر تربیتی بیشتر و بهتری دارد و مقدم بر تنبیه است و تشویق مناسب و سنجیده باعث عمق بخشیدن به یادگیری شده و چون جنبه‌ی بازدارندگی دارد، از انجام کارهای ناپسند در نوجوانان می‌کاهد.

کلیدواژه: تشویق، تنبیه، تعلیم و تربیت.

۱- مقدمه

معلمان در هر جامعه‌ای یک قشر پراهمیت تلقی شده و دارای نقش ارزنده و قابل ملاحظه‌ای می‌باشند. معلمان کسانی هستند که جوانان را آموزش می‌دهند کسانی که به نوبه خود، پیشروان نسل آینده ملت خواهند شد و آن چه که دانش آموزان در کلاس‌های درس از معلمان خود یاد می‌گیرند، در ادامه زندگی به کار می‌گیرند، بنابراین معلمان اثر چشمگیری بر رشد و پرورش دانش آموزان دارند زیرا که کمک می‌کنند تا جوانان مسیر زندگی خود را یافته و اعضای فعال و متعهد جامعه خود باشند. اگر چه در بیشتر موارد اولیا و مربیان به این دو امر اعتقاد دارند ولی در انتخاب و یا اولویت یکی از این دو عامل اغلب اختلاف نظر وجود دارد. بارها مشاهده شده است که ولی یک دانش آموز به خاطر تنبیه فرزندش به مسئولان مدرسه اعتراض و حتی شکایاتی علیه آن‌ها نموده است و یا برعکس، فرد دیگری به آموزشگاه مراجعه کرده و از مسئولان مدرسه به اصرار خواسته است برای تامین خوشبختی فرزندش، او را تنبیه کنند. همین طور عده‌ای از مربیان بر این باورند که تحسین و تمجید، دانش آموز را خودخواه و مغرور بار می‌آورد و برعکس عده‌ای دیگر آن را ضروری و مفید می‌دانند. نقش حساس تشویق و تنبیه برای پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت بر کسی پوشیده نیست. ممکن است با یک تشویق و یا تنبیه به موقع و به جا و با توجه به شرایط لازم آن، زندگی یک فرد از مسیر انحرافی به راه راست

کشیده شود و هستند دانش آموزانی که به خاطر ترس از تنبیه، به مدرسه نرفته و ترک تحصیل کردند. زمان به کارگیری اصل تشویق و تنبیه و استفاده از آن به عنوان انگیزه ای برای تربیت صحیح انسان شاید به قدمت تاریخ تعلیم و تربیت بوده است زیرا که محققین هر جا نشان و اثری از تعلیم و تربیت می‌یابند، مساله تشویق و تنبیه به نوعی چه با عملکرد درست و یا نادرست در کنار آن مطرح بوده است.

۲- بیان مساله

دانش آموزان تحت تاثیر تعهد اخلاقی و عملکرد معلمان قرار دارند، چنانچه یک معلم محبوب، سرمشقی برای دانش آموزان گردد، آن‌ها سعی می‌کنند از رفتار، پوشش، آداب معاشرت و حتی سبک گفتار و محاوره‌ی او پیروی کنند پس هر عملی که معلم در کلاس انجام می‌دهد بازتاب و انعکاسی چه مثبت و چه منفی در جامعه از خود نشان خواهد داد پس سزاوار است که معلم حساب شده و سنجیده در راستای تعلیم و تربیت گام بردارد و در نحوه‌ی به کار رفت تشویق و تنبیه که یکی از ابزارهای تربیتی به شمار می‌آید، در طی فرایند تدریس و تربیت خود، نگاهی ژرف و جامع داشته باشد و در مورد آثار و پیامدهای آن تأمل نماید.

۲-۱- سوالات پژوهش

سوال اصلی این مطالعه عبارت است از:

تشویق و تنبیه در امر تعلیم و تربیت چگونه به کار رفته است؟

سوالات فرعی که می‌تواند قابل طرح باشد:

۱. کدام یک از دو شیوه تشویق و تنبیه، بر دیگری مقدم است؟
۲. تنبیه، چه انگیزه‌هایی غیر از تربیت می‌تواند داشته باشد که از هدف تربیتی منحرف شود؟
۳. چگونه می‌توان دانش آموزان را به مدرسه علاقه مند کرد؟
۴. آیا حاکم کردن یک جو رقابتی در کلاس، مانع همکاری دانش آموزان شده و آن‌ها را از هم دور می‌کند؟

۲-۲- روش

این مطالعه از لحاظ هدف، تحقیق کاربردی است که با ابزار کتابخانه‌ای و سند کاوی انجام و داده‌ها گردآوری شده است.

۲-۳- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بررسی‌های انجام شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر نشان می‌دهد که پژوهش‌های مستقلی در این زمینه صورت گرفته است که به چند نمونه اشاره شده و مختصر معرفی می‌شود:

۱. جوان مجرد، عبدالناصر، ۱۳۷۳، تجزیه و تحلیل نگرش دانش آموزان در مورد روش‌های رایج تشویق و تنبیه و رابطه آن با موفقیت تحصیلی آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عمر اوطمیشی. طبق بررسی به عمل آمده و داده‌های حاصل از آنها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نتایج به صورت: وجود رابطه معنی‌دار مثبت بین تشویق و موفقیت تحصیلی، عدم وجود رابطه معنی‌دار بین تنبیه و موفقیت تحصیلی و ناعادلانه بودن روش‌های تشویق و تنبیه، تایید شدند.

۲. مصطفوی، شیررضا، ۱۳۸۸، نظام تشویق و تنبیه در قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما محمدجواد اسکندرلو. این پایان نامه چنین نتیجه گرفته است که تشویق اگر به درستی و برای حفظ شرائط و موقعیت‌های ویژه از آن استفاده شود، تأثیر مثبت در اصلاح کودکان و نوجوانان و جوانان خواهد داشت و همچنین تأدیب و تنبیه به عنوان یک روش تربیتی بعد از اعمال تمامی روش‌های تربیتی قابل قبول است.

۳. بهارلو، محمد، ۱۳۹۳، نقش تربیتی تشویق و تنبیه از منظر حضرت علی(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث (موسسه غیرانتفاعی)، استاد راهنما: حسنعلی بختیار نصرآبادی. در این پایان نامه به بیان ضرورت تشویق و تنبیه، آداب، التزام

به موضوع تشویق و تنبیه، رعایت اعتدال و میانه‌روی، رعایت عدالت و انصاف، رعایت تناسب و سنخیت، تعلق تشویق و تنبیه به عمل، پرهیز از افراط و تفریط و نداشتن اغراض شخصی پرداخته شده است و با توجه به نقش تربیتی تشویق و تنبیه در سیره حضرت علی (ع) در دو محور کلامی و رفتاری، به حوزه‌های کاربردی تشویق و تنبیه انسان پرداخته شده است و نشان می‌دهد تشویق و تنبیه در یک افق الهی می‌تواند در شکوفایی ابعاد وجود آدمی موثر و کارساز باشد.

۴. گوهری راد، حسین، ۱۳۹۳، تاثیر تشویق و تنبیه دانش آموزان بر بزهکاری اجتماعی نوجوانان مقطع متوسطه پسران شهرستان سردشت در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، استاد راهنما: زهره اسمعیلی. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد بین تشویق و تنبیه و گرایش به بزهکاری (پرخاشگری، الکلیسم، دزدی و دروغ‌گویی) تاثیر (رابطه) معنادار وجود دارد.

۵. شمشادی، معصومه؛ قدیم زاد، شیرین؛ ساروق، زینب، ۱۳۹۶، مقاله نقش تشویق و تنبیه بر یادگیری دانش آموزان از دیدگاه تعلیم و تربیت، پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که در تربیت انسان اصل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجازات در این باره حضرت علی (ع) می‌فرماید: به وسیله خوبی با بدی بستیزید. تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان سبب شکل‌گیری عادات مطلوب در آنها می‌شود.

۶. نرماشیری، معصومه، ۱۳۹۸، تشویق و تنبیه و مقایسه آن از دیدگاه ژان ژاک روسو و خواجه نصیر طوسی، سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در اخلاق و تربیت، مناسبات دین و روان‌شناسی، تهران. روش این کار از نوع تحلیلی-توصیفی مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. ضمن اشاره به تعاریفی از تشویق و تنبیه، به بررسی دیدگاه روسو و خواجه نصیر در باره تشویق و تنبیه و مقایسه آنها پرداخته و در نهایت با توجه به نتایج به عمل آمده دیدگاه روسو و خواجه نصیر در مورد تشویق مثبت بوده ولی در مورد تنبیه روسو کاملاً مخالف این عمل بوده و خواجه نصیر طوسی تنبیه را جایز و روا می‌داند.

۳- تشویق و تنبیه در آموزه های اسلامی

تشویق به معنای به شوق افکندن، آرزومند کردن [۱] و تنبیه به معنای آگاه کردن، مجازات کردن [۱] و روش تشویق و تنبیه، آدابی است برای برانگیختگی و بازدارندگی برای شکوفا شدن استعدادهاى انسان برای رسیدن به کمال. یکی از راهکارهای ایجاد انگیزه در انسان‌ها، تشویق کسانی است که عملکرد مطلوب دارند. قرآن کریم از روش تشویق برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازدارى از رفتار ناپسند، به صورت گسترده استفاده کرده است. تمام آیاتی که از بهشت و نعمت‌های مادی و معنوی سخن گفته است، شاهدی بر این مدعاست. «ای پیامبر، مومنان را بر جهاد تشویق کن که اگر از شما بیست تن شکبیا باشند، بر دویست تن از کافران چیره شوند و اگر از شما صد تن باشند، بر هزار تن از آنها که کافر شدند چیره شوند، زیرا که آنها گروهی ناهم و نادانند.» [۲]

در آیاتی از قرآن کریم به مردم وعده داده شده است که در صورت انجام دادن رفتار مطلوب و مورد نظر، با پاداش‌های مادی که تامین‌کننده زندگی دنیوی است تشویق می‌گردند. «اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم.» [۲] در قرآن کریم تشویق و تنبیه در کنار هم ذکر شده است و در آن روش بشارت و انذار برای تکامل بخشیدن به انسان‌ها و تزکیه و ارشاد آنها بسیار استفاده شده است. اسلام نیز، تربیت را بر مبنای تشویق و تکریم شخصیت افراد قرار می‌دهد و معتقد است که انسان در سایه تشویق به سعادت و خوشبختی نائل می‌شود و از طرفی در مورد تنبیه به شیوه‌ی اعتدالی به شکلی محدود برای اصلاح رفتارهای نامطلوب می‌پذیرد. روان‌شناسان نیز بر این باورند که انسان‌ها همواره مایلند که مورد تحسین و تمجید قرار گیرند و باعث به وجود آمدن اعتماد به نفس و تقویت عزت نفس می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ما حقایق قرآن را سهل و آسان به زبان تو آوردیم تا اهل تقوا را بشارت دهی و معاندان لجوج را بترسانی.» [۲] چنانچه می‌بینیم تشویق و امر به معروف، نیکی و بشارت به تحقق وعده الهی بر تنبیه و عذاب مقدم است.

«آن‌گاه دعوت‌گری ویژه فرستادی تا خلق تو را به آن میهمانی فراخواند. ولی بندگان، نه آن دعوت‌گر را پاسخ مثبتی دادند نه به آن چه تو ترغیبشان نمودی، رغبت نشان دادند و نه به سوی آن چه تو تشویقشان فرمودی، شوقی ابراز نمودند...» [۳]

قابوس نامه یا نصیحت نامه کتابی در آداب و آراء تربیتی است که در این باره چنین آمده است: «به وقت تعلم، اگر معلمان او را بزنند، او را شفقت مبر و بگذار که کودک علم و ادب و هنر، به چوب آموزد و نه به طبع خویش» با آنکه شیوه‌ی نادرستی برای آموزش هنر و ادب و دانش توصیه شده است اما در کنارش شیوه‌ی درست برای حفظ شان و اعتبار پدر در نظر فرزند مقابل خواننده قرار می‌دهد و از پدر می‌خواهد در صورت خشم از بی ادبی کودک وی را به دست خود نزند بلکه از معلمان بخواهد تا کینه پدر در دل کودک باقی نماند. [۴]

۵- تشویق و تنبیه در کلام سعدی

سعدی، در مقام یک معلم اخلاق، تشویق مادی را جایز و روا می‌داند. در ارتباط با امور لشکری و نظامی و تشویق کردن سربازان برای جنگ و دفاع از میهن و مردم، افزودن حقوق و مزایا را امری موثر می‌داند [۵]:

دلاور که باری تهور نمود بیاید به مقدارش اندر فزود

که بار دگر دل نهد بر هلاک ندارد ز پیکار یاجوج باک

سعدی تشویق و تحسین را مقدم بر تنبیه و تحقیر کودک می‌داند:

نو آموز را ذکر و تحسین و زه ز توییح و تهدید استاد به

بیاموز پرورده را دسترنج و گر دست داری چو قارون به گنج

در باب تشویق کردن هم می‌گوید که به هر حال زر و سیم روزی به پایان می‌رسد ولی اگر به عنوان تشویق حرفه یا پیشه‌ای به فرزند یاد داده شود، ارزش آن از تشویق مادی بیشتر است.

به پایان رسد کیسه سیم و زر نگردد تهی کیسه پیشه‌ور

چه دانی که گردیدن روزگار به غربت بگرداندش در دیار

چو بر پیشه‌ای باشدش دسترنج کجا دست حاجت برد پیش کس

اما عین حال سعدی معتقد است که کسی که جور استاد را ببیند، دیگر در بزرگی از روزگار جور و جفا نمی‌بیند. بنابراین سعدی تربیت صحیح را لازمه به دور بودن از تربیت روزگار در بزرگسالی می‌داند:

هر آن طفل کو جور آموزگار نبیند، جفا بیند از روزگار

«تنبیهات بدنی غالباً بچه را اصلاح نمی‌کند و میل به اصلاح را در او به وجود نمی‌آورد. ممکن است از ترس کتک و شلاق به حسب ظاهر دست از کار خلاف بردارد و در حضور دیگران آن را انجام ندهد، اما عادت بد او واقعاً اصلاح نشود و در باطن بماند تا بعداً به صورت دیگری آشکار گردد و کودک را ترسو و بزدل باری آورد. به وسیله کتک شخصیت کودک درهم شکسته می‌شود و تعادل روحی او برهم می‌خورد و به عصبانیت و بیماری‌های روانی مبتلا می‌گردد. کودک به وسیله کتک خوردن عادت می‌کند که در برابر زور بدون چون و چرا تسلیم گردد و با این منطق خو بگیرد که زور و قلدری پیروز است، هر وقت عصبانی شدی بزن و باکی نداشته باش. پدر و مادر به وسیله کتک مقررات وحشیانه جنگل را به بچه خویش یاد می‌دهند.» [۶]

بیشتر مربیان و روانشناسان بر این باورند که تنبیه بیشتر از آثار اصلاحی، پیامدهای مخربی در روح و روان و رفتار و کردار فرد دارد که به کارگیری این روش در مراحل آخر کار توصیه شده است. «تشویق بهترین و موثرترین وسیله تربیت است. در روح و نهاد کودک اثر می‌گذارد و او را برای خوب شدن تحریص و ترغیب می‌کند. هر انسانی ذات خودش را دوست دارد و میل دارد شخصیت خودش را کامل تر گرداند. دوست دارد که دیگران نیز به شخصیت و ارزش وجودی او پی ببرند و از او قدرشناسی و تشکر نمایند.

اگر مورد تحسین قرار گرفت هر چه بیشتر به خوبی متمایل می‌گردد و در صراط تکامل واقع می‌شود.» [۶]

به پژوه در کتاب اصول برقراری روابط انسانی با کودک اینگونه بیان کرده است که وقتی رفتاری به دنبالش یک پاداش همراه باشد، در واقع این رفتار تقویت مثبت شده است که در نتیجه این تقویت مثبت منجر به دوام و پایداری آن رفتار می‌شود. انسان را موجودی

تشویق طلب و تنبیه گریز دانسته و گفته است که استفاده از روش های نامطلوب برای دستیابی به رفتارهای مطلوب و پسندیده امکان ندارد و استفاده از تنبیه بدنی، رفتاری، کلامی برای اصلاح رفتار کودک و نوجوان کمکی نمی کند در حالیکه توجه و تقویت رفتارهای مثبت باعث تداوم و ثبات آنها می شود. [۷]

براساس دیدگاه های صاحب نظران این حوزه، تاکید بر این است که برای انجام دادن یا ترک رفتاری، باید انگیزه های درونی فرد تغییر و اصلاح شود چون انگیزه های درونی، محرک های اصلی انجام رفتار هستند و رفتاری که متکی به انگیزه های بیرونی هستند، ممکن است با عدم تکرار و قطع انگیزه های بیرونی، رفتار تکرار نشود ولی انگیزه های درونی نهادینه شده و چون رضایت و خرسندی درونی فرد را به دنبال دارد، پایدارتر است و فرد با تلاش و پشتکار بیشتر برای کسب اهداف خود گام برمی دارد. « ابتدا باید به این نکته اساسی توجه کرد که در تربیت باید تاکید بر استفاده از تشویق و ترغیب باشد نه تنبیه و تهدید. تنبیه گرچه به عنوان یک عامل بازدارنده ممکن است کودک را از ارتکاب کارهای زشت بازدارد، ولی معمولاً انگیزه های درونی را تغییر نمی دهد و به اصلاح و تغییر در رفتار نمی انجامد، مثلاً کودکی که از ترس تنبیه والدین دست به کاری نمی زند، ممکن است در خلوت آن کار را انجام دهد یا پنهان کاری کند... تشویق، غالباً رغبت های درونی را برمی انگیزد و با تقویت روحیه کودک، تغییرات رفتاری مطلوب را در او ایجاد می کند، از این رو بیشتر از تنبیه موثر می افتد.» [۸]. بنابراین حاکم کردن جوّ فضای تنبیهی شدید باعث می شود دانش آموزان بین خود و مدرسه و معلمان فاصله احساس می کنند که این امر نه تنها سبب می شود مدرسه بار تربیتی نداشته باشد بلکه جنبه آموزشی هم نخواهد داشت. سانتراک در کتاب روان شناسی تربیتی می گوید در یکی از تحقیقات وسیع، معلوم شد که مهم ترین عوامل در ایجاد انگیزه در دانش آموزان و پیشرفت درسی او، وجود رابطه صمیمی با معلم بود. در یک تحقیق دیگری هم معین شد که در سال های اول دوره دبیرستان، دانش آموزانی به درس ریاضی علاقه بیشتری نشان میدهند که احساس می کنند معلم این درس، حامی آنها است. [۹] با توجه به این تحقیقات باید نتیجه گرفت که با تاکید بر تشویق، هم می توان بر دانش آموزان تاثیر تربیتی داشت و هم بعد آموزشی و درسی آنها را تقویت کرد.

۶- تفاوت های فردی در تشویق و تنبیه

نکته مهم در انجام تشویق و تنبیه، توجه به اصل تفاوت های فردی است زیرا با توجه به شناخت ویژگی های فردی کودکان و نوجوانان، به این نتیجه می رسیم که همه دانش آموزان و کودکان، شرایط یکسانی ندارند و متناسب با ویژگی های اخلاقی، روحی، فرهنگی و ... باید رفتار کرد. به عنوان مثال دانش آموزی که اختلال خواندن دارد و نمی تواند متن کتاب را به راحتی صحیح و درست بخواند، اما معلم یا والدین به خاطر این مشکل او را تنبیه کنند درحالیکه براساس تفاوت های فردی این دانش آموز دچار مشکل است که والدین و معلم با در نظر گرفتن این اصل و متناسب با شرایط او، به حل مشکل او پردازند. «یکی از نکات مهم در تشویق و تنبیه این است که تاثیر آنها بر روی کودکان مختلف با روحیه ها و ویژگی های روانی مختلف یکسان نیست. تحقیقات نشان داده است که تنبیه بر روی بعضی کودکان اثر نامطلوب می گذارد در حالی که تشویق و ترغیب درباره آنها موثرتر است و سریع تر به تغییر رفتار می انجامد. در مورد بعضی کودکان نیز تنبیه عامل موثرتری است. معمولاً در مورد کودکان برونگرا یعنی کودکانی که بیشتر دارای رفتار پرخاشگرانه، فعال، هیجانی و روابط اجتماعی زیاد می باشند، اثر تنبیه بیشتر از کودکان درونگرا یعنی کودکانی که دارای رفتار گوشه گیرانه، حساس، زودرنج و کم حرف می باشند، است. و برعکس اثر تشویق در مورد کودکان اخیر بیشتر از اثر آن در کودکان دسته اول است. البته این مطلب را نمی توان در همه زمینه ها تعمیم داد ولی آنچه مسلم است و تحقیقات مختلف نیز آن را تایید می کند این است که تشویق و تنبیه را باید براساس رفتار و شخصیت کودکان به طور مختلف مورد استفاده قرار داد. این مساله نشان دهنده اهمیت توجه به تفاوت های فردی در تربیت است.» [۸] البته این سخنان بدین معنی نیست که همیشه در مورد کودکان برونگرا باید تنبیه را پیشه خود قرار دهیم و منظور از تنبیه هم تنبیه بدنی و فیزیکی یا زبانی نمی باشد بلکه تنبیه به معنی آگاه کردن، تذکر دادن، هشدار دادن و حتی می توانیم در قالب و چهارچوب درسی و آموزشی به دانش آموز تکلیف و فعالیت دهیم تا خود او و بقیه دوستانش به مباحث درسی توجه کنند و مطلبی را یاد بگیرند به عنوان مثال به دانش آموزی که نظم

کلاسی را به هم می‌زند، بگوئیم این سوال یا مساله را پای تخته حل کند که برای خود و بقیه دانش آموزان هم تمرین و تکرار باشد یا به مطلبی را آماده کند و کنفرانس دهد و همین طور کم توجهی کردن نسبت به او خود نوعی تنبیه تلقی می‌شود که البته این کم توجهی استمرار نداشته باشد چون موجب طرد شدن دانش آموز از فضای کلاسی می‌شود.

« برخی فکر می‌کنند که بهترین راه برای تغییر بد رفتاری بچه‌ها، انتقاد، احم و قهر کردن با آنهاست. باید گفت این شیوه برخورد اشتباه است و ایرادهای بسیاری دارد: سرزنش‌های مکرر می‌تواند اعتماد به نفس یک کودک و توانایی‌اش را برای تغییر کردن نابود کند. این روش هم والد را آزار می‌دهد و باعث می‌شود روی رفتارهای بد تمرکز و توجه شود. والدین با تشویق و تحسین رفتار خوب کودکان نتایج موثری به دست می‌آورند.» [۱۰]

۷- نقش تکریم و بزرگداشت در تعلیم و تربیت

در تعلیم و تربیت دو روش مرسوم است، یکی تنبیه و روش دوم تشویق کردن است که این دو روش دو نتیجه اساسی دارد. اول اینکه در اصلاح فردی که مورد تشویق قرار گرفته اثر سازنده و موثری خواهد گذاشت و نتیجه دوم اینکه روی سایر افراد موثر بوده و آنان را به انجام آن کار نیک ترغیب می‌کند. روش تشویق یک روش مرسوم است که آیات و روایات فراوانی پیرامون تشویقات دنیوی و اخروی نسبت به مومنان و نیکوکاران در قرآن و کتب احادیث به چشم می‌خورد. به طور کلی از منظر اسلامی، تشویق بر تنبیه مقدم است به گونه‌ای که در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَتَهُ» ای خدایی که رحمتش بر غضبش سبقت دارد.

« تشویق عاملی سازنده است که به کمک آن می‌توان گرایش به کارهای پسندیده را در انسان تقویت کرد. تنبیه نیز عاملی بازدارنده است که به کمک آن می‌توان انسان را از کارهای خلاف بازداشت... این انتظار که نوجوان بدون تشویق به وظایف خود عمل کند، انتظار درستی نیست. تشویق سبب می‌شود نوجوان انگیزه برای انجام کارهای شایسته پیدا کند و از این راه عادت به انجام آن کار در او به تدریج پیدا شود. اگر کودک بعد از انجام کاری شایسته مورد تشویق قرار گیرد، شیرینی تشویق در خاطره او باقی می‌ماند و انگیزه او را در تکرار آن عمل قوی تر می‌کند.» [۸]

۸- آیا تنبیه تنها راه حل اصلاح شخص خطاکار به شمار می‌رود؟

اگر دانش آموزی تنبل است، درس نمی‌خواند، شرور است، دوستانش را اذیت می‌کند و ... آیا راهکار این است که او را تنبیه کنیم، از مدرسه اخراج کنیم؟ اما از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود که راه دیگری هم موجود است که آن احترام، بزرگداشت و شخصیت دادن است. « دانش آموزی که خوب درس نمی‌خواند، ممکن است با انضباط باشد، خوش اخلاق باشد... حال اگر بخواهیم از او یک دانش آموز درس خوان سازیم، یک روش این است که در مقابل انجام ندادن تکالیف او را تنبیه کنیم و روش دیگر هم این است که به واسطه صفات و ویژگی‌های خوبی که دارد، او را تشویق کنیم. مثلاً سر صف معرفی کنیم که ایشان خوش اخلاق یا خوش خط است. این فرد به واسطه ویژگی‌های مثبتی که دارد، در میان دوستانش محترم می‌شود. آن زمان فکر می‌کند که بزرگ هستم، محترم هستم، و بعد می‌گوئیم یک انسان خوب باید سعی کند درسش را هم خوب بخواند. آن دانش آموز برای اینکه موقعیتش را حفظ کند، حرف شنوی می‌کند. در صورتی که اگر بچه‌ای نمره هایش پایین است، سر صف به عنوان شاگرد تنبل معرفی شود، چون تحقیر شده کارش را ادامه می‌دهد. نه تنها درسخوان نخواهد شد بلکه دنبال جرائم دیگری نیز می‌رود.» [۱۱]

« تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ، چیز مثبتی را از موقعیت حذف کند یا چیزی منفی به آن بیفزاید. به زبان متداول مردم، می‌توان گفت که تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانسیم است که خواستار آن است، یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست. اسکینر و ثرندایک بر سر اثربخشی تنبیه هم رای اند: تنبیه احتمال پاسخ را کاهش نمی‌دهد.» [۱۲] بنابراین طبق عقیده اسکینر و ثرندایک، تنبیه کردن موجب این نمی‌شود که فرد از تکرار رفتارش بکاهد بلکه سعی خود را می‌کند تا بالاخره تشویق را دریافت کند و به آن چیزی که خواستار آن است برسد. تنبیه کردن در بسیاری موارد نتیجه مثبتی در پی ندارد و فقط فرد، نسبت به خواسته‌اش سرکوب می‌شود، در حالیکه می‌توان رفتار او را آگاهانه و هدفمند جهت داد و تقویت مثبت ایجاد کرد برای مثال در مورد کودکان

خردسال نیز اینگونه است که هر چه کودک سر و صدا کند و چیزی را بشکند و از مادر توجه دریافت کند، به کارش ادامه خواهد داد ولی اگر تنبیه او به منزله سکوت کردن باشد، کودک متوجه رفتار اشتباهش خواهد شد. پس می توان گفت که نقش تشویق در رشد و پرورش کودکان توسط معلمان و والدین تاثیر چشم گیری دارد. البته یکی از شرط های اصلی مشاهده نتیجه مثبت، انتخاب تقویت کننده های مناسب است. تقویت کننده مثبت برای یک دانش آموز، می تواند بازی های آموزشی یا جایزه دادن که برای آنها جالب و مفرح است، باشد و تقویت کننده های دیگر مثل شکلات، کارت های ستاره دار (صد آفرین) که می توان در اختیار کودک گذاشت تا در ازای رفتار درست و عملکرد بهتر، آن تقویت کننده مورد دلخواه خود را انتخاب کند.

۹- انگیزه های نامطلوب در تنبیه (آسیب شناسی)

گاهی انگیزه های تنبیه برخاسته از غرض شخصی غیر از تعلیم و تربیت معلم و مربی یا والدین ناشی می شود و تنبیه از مسیر و جنبه ی تربیتی خود خارج شده و هدف شخصی به خود می گیرد:

۱. تنبیه به دلیل عصبانیت: هنگامی که مربی و معلم به دلیلی عصبانی می شود، تنبیه او تنها جنبه ی تخلیه هیجانی به خود می گیرد و با هدف تربیت صورت نمی گیرد و در اغلب موارد تاثیر منفی دارد.

۲. تنبیه ناشی از کینه توزی: این عامل متأسفانه رایج است. ممکن است معلم در همان جلسه اول هنگام ورود به کلاس، ببیند یکی از دانش آموزان به احترام او از جایش بلند نشد. تصویر او را در ذهنش حک می کند و به هر بهانه ی ممکن می تواند او را تنبیه کند که در این صورت هم تنبیه انگیزه و غرض شخصی می یابد.

۳. نشان دادن سلطه ی خویش: برخی از معلمان در ابتدای سال تحصیلی سعی دارند با کوچکترین بهانه ای دانش آموزان را تنبیه کنند و به اعتقاد خودشان گربه را دم حجله بکشند که این انگیزه نمی تواند چیزی جز نشات گرفته از ضعف مدیریتی معلم باشد.

۴. تنبیه برای مقبولیت اجتماعی: زمانی که معلم میزان قبولی دانش آموزان را در پایین تر از حد معمول احساس می کند، تلاش می کند با تنبیه، آن ها را به درس خواندن وادار کند. [۱۳] لذا در می یابیم که اغلب اوقات بنابه دلایل مختلف، تنبیه جنبه ی تربیتی ندارد و از مسیر اصلی خود منحرف شده و حتی جنبه ی تخلیه خشم به خود می گیرد و اصلاً بار تربیتی ندارد و جز آسیب و صدمات روحی، عاطفی و جسمی ثمره ای ندارد.

یکی از عواملی که از تنبیه، سوء استفاده می شود یا استفاده نابجا می شود، تعریف غلط ما یا به عبارتی تصور ذهنی غلط ما از مفهوم تنبیه است که معمولاً از واژه ی تنبیه به عنوان خشونت و نفرت و ناراحتی یاد می کنند در حالیکه می توان آن را به صورت آگاهانه به کار برد، برای مثال همانطور که به بیماران توصیه می شود که از خوردن بعضی غذاها پرهیز کنند، در بحث تعلیم و تربیت نیز، می توان این کار را انجام داد اما به صورت موقت. برای نمونه، دانش آموزی که در یک درس نمره کمتر از ۱۰ گرفته باشد یا نظم کلاس را به هم بزند، برای یک مدت مشخص از شرکت در بازی های آموزشی یا فعالیت های گروهی محروم شود. این دانش آموز، هنگامی که همکاری دوستانش با معلم و صمیمیت بین آنها را ببیند، از اینکه به خوبی درس نخوانده یا نظم کلاس را به هم زده، ابراز پشیمانی کرده و سعی می کند تا دوباره در آن جمع قرار گیرد، البته این کار باید به صورت آزمایشی و موقت انجام شود تا آسیب جدی به دانش آموز وارد نشود.

۱۰- تشویق

«تشویق به کودک اطمینان خاطر می دهد که رفتار او را همان گونه که هست می پذیریم. ما به عنوان والدین یا معلم تنها با تشویق کردن می توانیم شهامت و جسارت را در کودک تقویت کنیم. ما زمانی می توانیم در تصحیح رفتارهای نامناسب کودک تاثیر بگذاریم که انگیزه واقعی رفتار و اعمال او را بشناسیم. اگر به جای خوار کردن کودک از تلاش ها و نگرش های او قدردانی شود، احساس با ارزش بودن در او به وجود خواهد آمد. تشویق باید به گونه ای باشد که اعتقاد و باور کودک را نسبت به خودش تقویت کند.» [۱۴]

معلم باید بتواند با انگیزه دادن، روحیه دادن و تشویق کردن، قدرت و حس اعتماد به نفس و عزت نفس را در دانش آموزان تقویت کند. « هر گاه افراد جنبه های مثبت خویش را قبول داشته باشند، این امر به نحو مطلوبی بر رفتار آن‌ها تاثیر خواهد گذاشت. از سویی دیگر افرادی که خودشان را قبول ندارند در برخورد با شرایط و حالات یادگیری تحت تاثیر احساسات قرار می گیرند.» [۱۵]

۱۱- تشویق به رقابت: آری یا خیر

بسیاری از والدین توقع دارند که در مدارس جوی ایجاد شود که کودکان با یکدیگر رقابت کنند. آن‌ها اعتقاد دارند که رقابت در مدرسه فرزندان آن‌ها را برای ورود به دنیای رقابتی آینده آماده می کند. این گروه از والدین متوجه نیستند که رقابت برای کسب نمره و رتبه، چگونگی کلاس را به دو گروه تقسیم بندی می کند. گروه اول تعداد کمی از دانش آموزان که احساس می کنند از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردارند و در مقابل اکثر شاگردان ضعیف که اموخته اند احساس حقارت کنند. « ترغیب و تحریک کودک به رقابت جویی غالباً عامل تشویق کننده خوبی نیست. کسانی که در فکر پیشی گرفتن از دیگران هستند، تلاش و نیروی بیش از حدی را برای نیل به این هدف به کار می گیرند. توجه آن‌ها به جای اینکه در جهت همکاری و مشارکت باشد، به برنده شدن معطوف است. در چنین مدرسه ای تمایل به همکاری وجود ندارد و کودکان به ارزش های انسانی احترام نمی گذارند.» [۱۴]

«مبنای رقابت، مقایسه است و مقایسه انسان‌ها با یکدیگر با اصل تفاوت‌های فردی هر انسان منافات دارد. رقابت در برابر همکاری قرار دارد. رقابت و محیط‌های رقابت آمیز مانع از همکاری می شوند. نمی توان چندان انتظار داشت که دو نفر یا دو گروه هم رقیب باشند و هم با یکدیگر همکاری کنند. در رقابت تعداد بازنده ها، بیشتر از برنده هاست. در رقابت محدودیت در هدف وجود دارد و با رسیدن یک فرد به هدف مورد نظر، دیگران از آن دور می مانند (کسب شاگرد اولی). وقتی دانش آموزان برای شاگرد اول شدن و کسب برتری تلاش می کنند، رقابت با هدفی محدود است. در حالیکه معلم باید در نظر دانش آموزان، یادگیری را هدف قرار دهد. آن زمان دانش آموزان برای یادگیری بیشتر تلاش می کنند و مهم تر این که در رسیدن به هدف، محدودیتی وجود ندارد و همه می توانند برای یادگیری بیشتر تلاش کنند و موفق شوند.» [۱۶]. پس می توان گفت فردی که تمایل به رقابت ندارد، بهتر از افراد رقابت جو در جامعه عمل می کند زیرا او نگران عملکردهای دیگران نیست که نکند از او بهتر باشند و تنها متمرکز اعمال و رفتار خودش است و در نتیجه نه به عنوان یک رقیب بلکه به عنوان یک انسان، آزادانه به دوست، همسایه و هم نوعش اهمیت می دهد و سعی می کند در جهت همکاری و مشارکت با آن‌ها گام بردارد چون ترسی از شکست و بازنده شدن ندارد که احياناً از او جلوتر بزنند.

۱۲- تشویق برای پیشرفت

« تشویق بیش از دیگر جنبه های بار آوردن کودک دارای اهمیت است، تشویق آن چنان اهمیتی دارد که نبود آن را می توان مسبب بدرفتاری های کودک شمرد. همان گونه که گیاه به آب محتاج است، بچه نیازمند تشویق است. بدون تشویق کودک نمی تواند رشد کند، پرورش بیابد و احساس تعلق کند.» [۱۷] دانش آموزی که نمره زیر ده می گیرد و پس از مدتی نمره یازده، دوازده گرفته است، بهتر است که او مورد تشویق و تمجید قرار بگیرد چون طبق اصل تقویت مثبت در روان شناسی، این کار باعث تثبیت رفتار او می شود. حال این تشویق ممکن است به صورت تشویق کلامی، دادن کارت صد آفرین، تشویق سر صف یا دادن هدیه ای کوچک باشد. آیا نمی توان در کنار نمره بیست و شاگرد اول، دانش آموزانی که پیشرفت کرده اند، را هم مورد تشویق قرار داد. اگر آن‌ها را با گذشته، یک ترم قبل مقایسه کنیم، سزاوار تشویق هستند، او نسبت به خودش پیشرفت کرده و این یعنی او تلاش بیشتری نسبت به گذشته از خود نشان داده است.

۱۳- نتیجه گیری

تشویق و تنبیه دو ابزار است که برای قوت بخشیدن به امر تعلیم و تربیت و گسترش آن و سالم سازی فضای خانه، مدرسه و جامعه ضروری می نماید. بشارت و انذار پیامبران الهی و پاداش و کیفر، وعده و وعید دینی بر همین منوال استوار است. این دو روش باید به شکلی صحیح اجرا شود تا موجب آرامش روح و روان گردد. مطالعات نشان می دهد که اثر تشویق بیشتر از تنبیه است و تا حد

امکان باید از تنبیه خودداری شود زیرا تنبیه عوارض ناخوشایندی دارد و اغلب اوقات تاثیر و بار تربیتی خود را از دست می‌دهد. تشویق کردن مقدم بر تنبیه است و بار تربیتی بیشتری هم دارد. اگر تشویق به موقع و سنجیده صورت گیرد، ممکن است دیگر نیازی به اعمال تنبیه نباشد. کودکی که از مربیان خود به جای تشویق، تحقیر شود و سرزنش ببیند، خودباخته و افسرده می‌شود درحالی‌که تشویق خاصیت بازدارندگی دارد و با استمرار کار خیر و همراهی تقویت کننده‌های مثبت، گرایش به کار زشت در نوجوان کاهش می‌یابد.

۱۴- منابع

۱. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم.
۲. قرآن کریم، ۱۳۷۰، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: صفا، چاپ اول.
۳. معادیخواه، عبدالمجید، ۱۳۸۴، فرهنگ آفتاب، فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه، تهران: نشر ذره، جلد سوم و چهارم، چاپ دوم، ص ۱۳۹.
۴. ممتحن، مهدی، ۱۳۹۱، واکاوی نگاره‌های تعلیمی - تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی، نشریه علمی پژوهشی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز، ص ۱۶۳.
۵. سعدی، مصلح الدین بن عبدالله، ۱۳۹۲، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ یازدهم، باب اول ص ۷۴، باب هفتم صص ۱۶۴-۱۶۵.
۶. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۸، آئین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم ص ۳۶۵، ص ۳۷۵.
۷. به پژوه، احمد، ۱۳۹۵، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران، نشر دانژه، چاپ دهم، ص ۷۴.
۸. سادات، محمدعلی، ۱۳۹۲، راهنمای پدران و مادران شیوه‌های برخورد با کودکان، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و یکم، جلد دوم، ص ۹۷، ص ۱۰۹، ص ۹۶.
۹. ساتراک، جان دبلیو، ۱۳۹۸، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه شاهده سعیدی، مهشید عراقچی و حسین دانش فر، تهران: انتشارات رسا، چاپ ششم، ص ۴۸۵.
۱۰. شری، جان، ۱۳۹۱، قدرت والدین، ترجمه فاطمه اعلمی، تهران: نشر پیدایش، چاپ اول، ص ۶۰.
۱۱. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۵، پیامدهای تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، مجله تربیت، شماره اول، سال دوم، مهر، ص ۲۱.
۱۲. اُلسون، متیو اچ؛ هرگنهان، بی آر، ۱۳۹۹، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران، چاپ سی و ششم، ص ۱۳۶.
۱۳. احمدی، علی اصغر، ۱۳۶۹، جامع‌نگری در تشویق و تنبیه، مجله تربیت، شماره هفتم، سال پنجم، فروردین، ص ۳۸.
۱۴. دریکوس، ردولف، کاسل، پرل، ۱۳۸۸، انضباط بدون اشک، ترجمه مینو واقعی و مریم داداش زاده، تهران: انتشارات رشد، چاپ پنجم، ص ۸۲، ص ۷۳.
۱۵. باتل، جی ال، شانون، رابرت ال، ۱۳۶۷، ایده‌های جدید در تعلیم و تربیت، ترجمه ماندانا سکوتیان، چاپ اول، انتشارات فرهنگخانه اسفار، ص ۳۱.
۱۶. اصلانی، ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۹، رشد آموزش ابتدایی، شماره چهار، دی ماه، ص ۳۰.
۱۷. دری کرز، رودلف، ویکی شولتز، ۱۳۸۱، روش‌های نوین رفتار با کودکان، ترجمه محمود توتونچیان، انتشارات ثامن الائمه، چاپ اول، ص ۵۳.